

شناسایی زمینه‌های طراحی مدل بازپذیری اجتماعی موفق زنان مجرم؛ تبیینی داده‌بنیاد

زهرا میرحسینی^{۱*}، مهسا لاریجانی^۲

چکیده

در این پژوهش، تلاش شده بازپذیری اجتماعی زندانیان با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد بررسی و مطالعه شود. هدف از این تحقیق تبیین مدل و الگوی موفق بازپذیری اجتماعی برای زنان مجرم است. داده‌های این پژوهش کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ زن، که در مرکز خدمات حمایتی بهزیستی پرونده داشته و همگی در گذشته تجربه مشترک حبس و زندگی در زندان داشته‌اند، جمع‌آوری شده و با استفاده از رویه نظریه داده‌بنیاد مرحله کدگذاری و تحلیل داده‌ها انجام پذیرفته است. یافته‌های اکتشافی پژوهش نشان می‌دهد عوامل متعددی در شکل‌گیری مقوله مرکزی، یعنی «بازپذیری اجتماعی به‌مثابه حرکت به سمت عادی‌سازی زندگی و هم‌نوایی اجتماعی»، زنان اثرگذار است و عوامل زمینه‌ای همچون ویژگی‌های فردی، طردنشدن و پشتیبانی از سوی خانواده و دسترسی به سرمایه‌ها تأثیرگذارند. از سوی دیگر، عوامل مداخله‌گرانه‌ای همچون انگیزه‌های مادرانه، توانمندی و بازتوانی زنان و عدم مصرف مواد مخدر بر فرایند بازپذیری اجتماعی اثرگذارند. یافته‌های تحلیلی حاکی از آن است که استراتژی‌ها و راهبردهای زنان به منظور بازپذیری اجتماعی در دو مقوله مناسب‌سازی و سالم‌سازی محیطی و گسترش شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که در نهایت مجموع این عوامل و استراتژی‌ها، رضایت از زندگی و سازگاری و ساماندهی اجتماعی یا به عبارت دیگر بازپذیری اجتماعی زنان را میسر می‌کند.

کلیدواژگان

بازپذیری اجتماعی، زنان مجرم، نظریه داده‌بنیاد.

۱. استادیار گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا

z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین

m.larijani87@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۷

مقدمه

در بسیاری مواقع، ممکن است این‌طور فرض شود که با پایان یافتن دوره محکومیت یک زندانی، فرایند مجازات وی نیز خاتمه می‌یابد. این در حالی است که برای عده زیادی از محکومان خروج از زندان و مواجهه با جامعه و شروع مجدد زندگی اجتماعی چالش‌برانگیز بوده است. در این باره، پژوهش‌های متعدد نیز نشان داده‌اند که مجرمان آزادشده در ادغام با جامعه با چالش‌هایی همچون برچسب‌های اجتماعی و کاهش پیوندهای خانوادگی مواجه‌اند [۱۵؛ ۲۹؛ ۳۴]. به‌طوری‌که در برخی موارد شرایط زندگی سخت‌تر از آنچه در زمان حبس تحمل کرده‌اند برای آن‌ها رقم می‌خورد و این احتمال وجود دارد به علت عدم پذیرش جامعه و عدم سازگاری اجتماعی در دور باطل ارتکاب جرم و زندان گرفتار شوند؛ که مسلماً علاوه بر تبعات و پیامدهای منفی، هزینه‌های زیادی را نیز بر پیکره جامعه و سیستم قضایی-انتظامی وارد می‌کند. از طرفی، این مسئله می‌تواند شاهدهی بر شکست هدف «بازدارندگی» مجازات زندان به معنای بازداشتن مجرم از ارتکاب دوباره جرم و اصلاح مجرم نیز تلقی شود.

بولک^۱ هدف از اصلاح مجرم از سوی مجازات زندان را بهسازی وی یا دوباره تربیت کردن از طریق تنبیه تعریف کرده است؛ به گونه‌ای که فرد را به سوی تبعیت از قواعد اولیه زندگی سوق دهد [۴]. باین‌حال، وی معتقد است هدف اصلاح مجرم بهبود اخلاقی او نیست و صرف بازگشت به زندگی عادی نیز کافی است. پس از نظر وی هدف اصلی مجازات زندان بهسازی و بازپذیری اجتماعی^۲ مجرم است؛ به‌طوری‌که مجدداً مرتکب جرم نشود و قابلیت لازم را برای زندگی سالم اجتماعی، به دور از جرم و بزه، پیدا کند و درنهایت فرد را به سوی همنوایی و رعایت هنجارها و قواعد اولیه زندگی اجتماعی سوق دهد [۱].

بنا بر آنچه ذکر شد، خروج از زندان و مواجهه با دنیای اجتماعی پس از دوران حبس در زندگی فرد مجرم بسیار بااهمیت است و نقش اساسی را در فرایند بازپذیری اجتماعی وی ایفا می‌کند. در این مرحله است که زمینه‌های ورود مجدد فرد به اجتماع فراهم می‌شود و از او انتظار می‌رود با خانواده و جامعه تعامل داشته باشد، کار و شغل مناسب پیدا کند و بتواند معاش خود را از راه‌های متعارف تأمین کند. درحقیقت، فردی که زمانی مرتکب جرم شده و جامعه برای مجازات او را از خود دور نگه داشته، با پایان حبس و خروج از زندان فرصت همنوایی مجدد و بازگشت به جامعه را پیدا می‌کند. باین‌حال، گذر از این مرحله برای همه این افراد یکسان نیست و اغلب با مسائل و مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند که با ناکامی در آن و شکست مرحله بازپذیری اجتماعی، ممکن است دوباره مرتکب جرم شوند. از این‌رو، مرحله پس از خروج از زندان، می‌تواند دوران «بازگشت به جامعه» و یا «بازگشت به جرم» برای آن‌ها باشد.

1. Bouloc
2. social reintegration

در این میان، محکومان زن، به علت نقش و جایگاه ویژه «زن» در خانواده و جامعه، احتمالاً با مسائل و مشکلات بیشتری نیز در مقایسه با مردان روبه‌رو خواهند شد. مسائلی نظیر طرد خانوادگی و عدم ادغام اجتماعی، تحقیر و سرزنش، از دست دادن سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی، دوری از فرزندان و ... [۶؛ ۸؛ ۱۲] که فرایند بازگشت به جامعه را برای آن‌ها سخت و دشوار می‌کند؛ به طوری که ادعا شده محکومیت اصلی برای زنان مجرم اغلب پس از آزادی آن‌ها از زندان آغاز می‌شود [۵].

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد شناسایی و بررسی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای مؤثر بر فرایند بازپذیری اجتماعی زنان مجرم و سابقه‌دار و همچنین فهم استراتژی‌ها و راهکارهای آنان و در نهایت ارائه مدل موفق به منظور تدوین برنامه‌های حمایتی ویژه زنان و فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای بازگشت به جامعه برای آن‌ها و کاهش تبعات فردی و اجتماعی اعمال مجرمانه و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و آسیب‌دیدگی مضاعف لازم و ضروری است. مفهوم بازپذیری اجتماعی در این پژوهش به فرایندها و چگونگی بازگشت فرد به جامعه و درحقیقت به جامعه‌پذیری ثانویه وی و همچنین ابعاد موفقیت در این نوع جامعه‌پذیری اشاره دارد.

براساس دیدگاه بهر و همکاران، بازپذیری به معنای فرایند انتقال به اجتماع و تنظیم زندگی بیرون از زندان یا ندامتگاه و تلاش برای حفظ سبک زندگی غیرمجرمانه است [۱۶]. روزنتال و ولف نیز بازپذیری اجتماعی زندانی را فرایند پیچیده‌ای می‌دانند که فرد با انتقال از جایی که در آن بازداشت شده شروع به تنظیم و پیوستن مجدد به خانواده، اجتماع، کار و زندگی مدنی می‌کند [۳۱]. بولک نیز معتقد است بازپذیری اجتماعی مجرمان تداعی‌کننده این مفهوم است که افراد هم‌نوا و کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند کسانی هستند که فرایند جامعه‌پذیری را با موفقیت پشت سر گذاشته و افراد مجرم کسانی هستند که در این فرایند شکست خورده‌اند. از این رو، اگر فرایند جامعه‌پذیری مجدداً تکرار شود و نواقص آن برطرف شود، می‌توان امیدوار بود که فرد هنجارمند و هم‌نوا شده، همانند سایر کنش‌گران، در جامعه زندگی کند [۱۰]. در این زمینه، مقاله حاضر تلاش دارد مدل موفق بازپذیری اجتماعی زنان مجرم را با استفاده از روش تحقیق کیفی و به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد طراحی و ارائه کند.

چارچوب مفهومی و ادبیات تحقیق

نحوه به‌کارگیری و استفاده از تئوری‌ها و مفاهیم نظری از تمایزات پژوهش‌های کمی و کیفی است. بدین نحو که برخلاف تحقیقات کمی، که بر پایه نظریه‌آزمایی و تست فرضیات مستخرج از چارچوب نظری است، منظور از نظریه در روش تحقیق کیفی و نظریه داده‌بنیاد مجموعه مقولات پرورده‌شده‌ای است که به صورت منظم با جمله‌های بیان‌کننده ارتباط به یکدیگر متصل شده‌اند تا چارچوب نظریه‌ای را شکل دهند، که پدیده‌های اجتماعی، روان‌شناختی و

امثال این‌ها را توضیح دهند. از نظر استراوس و کوربین، جملات بیان‌کننده ارتباط به ما توضیح می‌دهند یک رویداد به دست چه کسی و چه چیز و در چه وقت و کجا، چرا و چگونه و با چه پیامدهایی رخ داده است. از این‌رو، همین که مفهوم‌ها با جمله‌های بیان‌کننده ارتباط در قالب یک چارچوب توضیحی به هم مربوط شوند، یافته‌های پژوهش از مرحله نظم مفهومی فراتر می‌روند و به نظریه تبدیل می‌شوند [۲].

علاوه بر این، در تحقیقات کیفی از تئوری‌ها و ادبیات نظری تحقیق به منظور افزایش دانش زمینه‌ای، حساسیت نظری و همچنین برای طراحی و تدوین سؤالات پژوهش استفاده می‌شود [۱۱]. حساسیت نظری واژه‌ای است که اغلب با نظریه داده‌بنیاد گره خورده و بیانگر آگاهی از ظرافت‌ها و معنای داده‌هاست. در واقع، حساسیت نظری توانایی تشخیص این است که چه چیزی در داده‌ها مهم است و قدرت معنا دادن به آن‌ها را دارد و به ما کمک می‌کند نظریه‌ای تنظیم کنیم که با واقعیت پدیده مطالعه‌شده تطابق داشته باشد [۲].

در اینجا نیز، به منظور افزایش دانش زمینه‌ای به نظریه‌های محدودی که با بازپذیری اجتماعی مرتبط است اشاره می‌شود:

نظریه دوره زندگی:^۱ براساس این نظریه، توقف فعالیت مجرمانه و پیشرفت در فرایندی که در آن فرد تلاش می‌کند در وضعیت غیرمجرمانه باقی بماند، به دو عامل فردی و اجتماعی بستگی دارد؛ عوامل فردی شامل ویژگی‌های درونی همچون نگرش، عزت نفس، هویت و انگیزه و تأثیرات اجتماعی شامل اشتغال، ازدواج، والدگری، دوستان و مداخلات درمانی هستند. عنصر کلیدی رویکرد دوره زندگی، تمرکز بر تغییر و حفظ آن در طول زمان است [۱۶].

نظریه امید:^۲ این نظریه، که برنت و مارونا (۲۰۰۴) ارائه کرده‌اند، امید را عاملی تعیین‌کننده برای دوباره مجرم شدن فرد یا بازپذیری وی بیان می‌کند. تئوری امید نشان می‌دهد که با یک احساس کافی از امید، مجرم سابق بهتر می‌تواند به سمت فرصت‌ها حرکت کند؛ اگرچه این ناامیدی بعد از یک دوره حبس ایجاد می‌شود، با رهایی از آن می‌تواند در فرایند بازپذیری اجتماعی موفق عمل کرد [۲۱].

تئوری دگرگونی‌شناختی:^۳ این تئوری چهار عنصر کلیدی در فهم بازپذیری و توقف جرم را مطرح می‌کند. اولین عنصر آمادگی فردی برای تغییر است و افراد باید به این ادراک برسند که تغییر امکان‌پذیر است. دومین عنصر مواجهه با شرایط خاص است که آن‌ها را به سمت تغییر حرکت می‌دهد و سومین عنصر تلاش برای تغییر هویت خود است و عنصر نهایی نیز تفسیر مجدد رفتار غیرقانونی قبلی و اینکه چگونه آن رفتار به خودشان و محیط پیرامونشان آسیب زده است [۱۶].

1. Life Course Theory
2. Hope theory
3. Cognitive Transformation Theory

مروری بر پیشینه تحقیق

لزوم بررسی و مطالعه زندگی محکومان و توجه به فرایند بازگشت آن‌ها به جامعه، شناسایی نیازها و ارائه خدمات به آن‌ها مورد اجماع و توافق اکثر صاحب‌نظران است. باین‌حال، آنچه جای بحث و اختلاف شده، توافق بر سر مشابهت ارائه خدمات میان زنان و مردان و در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی است. چنان‌که برخی محققان [۱۴؛ ۲۴] بر این باورند که استراتژی‌ها و راهکارهای جنسیت‌محور در تفاوت‌های زنان و مردان مبالغه می‌کنند. درحالی‌که بعضی دیگر معتقدند که وضعیت خاص زنان و اقلیت بودن آن‌ها به لحاظ آماری در مقایسه با مردان زندانی در کنار تفاوت‌های جنسیتی میان رفتارهای مجرمانه زن و مرد، اقدامات خطرناک و میزان ریسک‌پذیری آنان، در مجموع نیازمند اتخاذ پاسخ‌ها، راهکارها و استراتژی‌های خاص جنسیتی است [۱۷؛ ۱۹؛ ۲۶]. علاوه بر این، تحقیقات متعدد دیگری با توجه به ابعاد چندگونه و پیچیده فرایند بازپذیری اجتماعی زنان مجرم انجام شده که در ادامه بدان‌ها پرداخته شده است.

بیو و موراش در تحقیقی در سال ۲۰۱۰، که با کمک روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق و گذشته‌نگر با ۲۰ زن موفق سابقه‌دار انجام داده‌اند، تأثیر شبکه‌های اجتماعی و ارتباط با دیگران را در قبل، حین و بعد از زندانی شدن و همچنین پس از آزادی از زندان بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برنامه‌های آزادی مشروط و درون زندان می‌تواند به طور سیستماتیک در شناسایی و شکل‌دهی شبکه‌های جدیدی که توانایی برطرف کردن نیازهای زنان در دوران پس از زندان را دارد مؤثر باشد و شانس موفقیت این زنان را در بازگشت به جامعه افزایش دهد [۲۰].

ویشر (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان داد که حمایت‌ها و ارتباطات خانوادگی قوی نقش مهمی در مرحله گذار از زندان به خانه برای مردان و زنان آزادشده ایفا می‌کند. این محقق بیان می‌کند که احتمالاً بین داشتن فرزند، پدر یا مادر شدن و پیوندهای خانوادگی گسترده و بی‌وقفه با بازپذیری موفق و کاهش تکرار جرم رابطه وجود دارد [۳۳].

پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با تأثیر «محیط» بر فرایند بازگشت به جامعه نیز نشان می‌دهد زنان زندانی برای درمان نیازمند محیط و فضایی امن‌اند تا در آن به رشد و تعالی دست یابند. از این رو، محیط سالم و امن می‌تواند نتایج مثبتی را در زمینه اعتلای زنان و بازگشت به جامعه برای آنان به دنبال داشته باشد [۱۸].

علاوه بر این، محققان بر این باورند که اگر درهای اشتغال به روی افرادی که سابقه جرمی دارند بسته شود، عواقب خطرناکی پیش روی جامعه خواهد بود. بنابراین، فرصت‌های شغلی برای افراد آزادشده به منظور حمایت از آنان برای بازپذیری موفق در جامعه و کاهش تکرار جرم حیاتی است [۱۳].

چیکادزی (۲۰۱۷) نیز چالش‌های مجرمان آزادشده در فرایند بازپذیری در افریقای جنوبی را مطالعه کرده است. این پژوهش که با استفاده از روش کیفی و ۱۵ مصاحبه عمیق به دست

آمده نشان می‌دهد مبارزه مجرمان آزاد شده برای بازپذیری به علت روابط اجتماعی و خانوادگی فروپاشیده، بیکاری و فقدان خدمات پس از خروج با چالش‌هایی بسیاری مواجه است که بازپذیری را برای آن‌ها دشوار می‌کند [۲۲].

علاوه بر این تحقیقات، افراسیابی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پساکیفری» در دو گام فرایند اجرایی بازپذیری اجتماعی بزهکاران و موانع اجرایی این فرایند را بررسی و مطالعه کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در سازمان زندان‌ها به آسیب‌شناسی اخلاقی و روانی بزهکاران اهمیت داده شده، ولی به شناسایی و حذف عوامل اجتماعی جرم توجه چندانی نشده است. از طرفی، پس از اجرای کیفر نیز مسائل و مشکلات عدیده‌ای گریبانگیر بازپذیری بزهکاران شده است؛ به طوری که مجازات‌های تبعی سالب حقوق اجتماعی مانع از جامعه‌پذیری و اشتغال بزهکاران می‌شود. در نهایت افراسیابی در این مقاله نتیجه گرفته که ترسیم یک بستر علمی و منسجم برای اجرای فرایند بازپذیری اجتماعی بزهکاران نیازمند سیاست‌گذاری در دو حوزه کیفری و پساکیفری است [۳].

کونانی و سلطانی بیدگلی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «اصلاح و درمان مجرمان» به تحلیل محتوایی پارادایم اصلاح و درمان مجرمان در حقوق کیفری ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد به رغم نفوذ سیاست‌های اصلاح و درمان در پرتو قانون اساسی، در قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۲ و ۷۲۸) و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ (ماده ۱۳۴)، هنوز به اندازه کافی این سیاست‌ها اجرایی نشده است؛ از این رو نمی‌توان در رابطه با شکست آن در ایران اظهار نظر کرد [۱۰].

صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای مبتنی بر پژوهشی کیفی و مطالعات پدیدارشناسانه به بررسی تجربه زیسته و روایت زنان از زندان پس از آزادی، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با ۲۰ زن، پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد زنان مصاحبه‌شونده با درک تبعات منفی زندان، نظیر دوری از خانواده و فرزندان، طرد خانوادگی و اجتماعی، داغ و ننگ زندان، بر این امر اذعان داشتند که زندان علاوه بر این، تبعات مثبتی نظیر قطع و دوری از شبکه‌های جرم‌زا، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای در زندان، جدا شدن از سابقه و مواردی نظیر این را نیز برای آن‌ها به دنبال داشته است [۶].

علیزاده اقدم (۱۳۹۴) در پژوهش خویش در خصوص نقش فعالیت‌های فرهنگی در اصلاح و تربیت و بازگشت زندانی به زندگی شرافتمندانه، به این نتیجه رسیده است که رابطه بین متغیر توانمندسازی و ابعاد روان‌شناختی و اقتصادی آن با مجموع اصلاح و تربیت و ابعاد عقلانی و اخلاقی آن زیر ۰/۱ و رابطه آن‌ها مستقیم است. به عبارتی، با افزایش نگرش توانمندسازی زندانیان در ابعاد روان‌شناختی و اقتصادی اصلاح و تربیت آنان (در مجموع و دو بعد عقلانی و اخلاقی) افزایش می‌یابد و بالعکس. اما طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون توانمندسازی و ابعاد آن با بعد هنری اصلاح و تربیت رابطه معناداری وجود ندارد و این متغیر تأثیری در افزایش

یا کاهش بعد هنری اصلاح و تربیت پاسخ‌گویان ندارد. علاوه بر این، بین عملکرد رسانه‌های جمعی، نحوه گذران اوقات فراغت و حمایت‌های گروهی با اصلاح و تربیت افراد زندانی و در نتیجه بازگشت آنان به زندگی شرافت‌مندانه رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد [۷].

تفاوت این پژوهش با سایر تحقیقات انجام‌شده در این است که پژوهش حاضر تلاش دارد علاوه بر استفاده از روش تحقیق کیفی، با به‌کارگیری رویکرد نظریه داده‌بنیاد فرایند بازپذیری اجتماعی زنان سابقه‌دار را مطالعه کند و مدل پارادایمی مبتنی بر شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و همچنین استراتژی‌ها و راهبردهای کسب موفقیت در این فرایند را برای زنان سابقه‌دار، بنا بر روایت‌ها و تجربیات زنان مصاحبه‌شونده، طراحی و ارائه کند.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و به‌کارگیری رویکرد نظریه داده‌بنیاد انجام پذیرفته است. نظریه داده‌بنیاد روشی کیفی است که مجموعه‌ای از رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا و حرکت از جزء به کل درباره پدیده‌ای شکل بگیرد. درحقیقت، محقق به گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی می‌پردازد که از پدیده مطالعه‌شده سرچشمه گرفته است. در این روش، هرگز تحقیق از یک نظریه شروع نمی‌شود تا آن را به اثبات برساند، بلکه از یک حوزه مطالعاتی آغاز و این فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مرتبط به آن است نمایان شود [۲].

نحوه نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها

در این پژوهش، به منظور جمع‌آوری اطلاعات و گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته کیفی استفاده شده است و از نمونه‌گیری نظری و هدفمند برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شده است. همچنین سعی شده «حداکثر گوناگونی» در میان مصاحبه‌شوندگان، زنان با سوابق جرمی متفاوت، گروه‌های سنی و سطح تحصیلات مختلف و... رعایت شود. درضمن، افرادی که برای مصاحبه انتخاب شدند همگی تجربه مشترک داشتند تا بتوانند بیشترین اطلاعات را در اختیار محقق به منظور جمع‌آوری توصیفاتی غنی پیرامون موضوع تحقیق قرار دهند [۲].

براین اساس، با ۱۹ زن مصاحبه‌های عمیق کیفی انجام شد و برای اطمینان بیشتر از اشباع نظری و تکراری بودن تم‌ها و نبود مفاهیم جدید، با دو نفر دیگر هم مصاحبه شد.

مصاحبه‌شوندگان از میان زنان با سابقه حبس انتخاب شده‌اند که به مرکز خدماتی بهزیستی استان تهران مراجعه کرده و در آنجا برای آن‌ها پرونده تشکیل داده‌اند. بالین حال، در انتخاب نمونه‌ها این امر لحاظ شده که این افراد حتماً سابقه حبس داشته و حداقل ۱۲ ماه از تاریخ آزادی آنان از زندان نیز گذشته باشد، زیرا به نظر می‌رسد یک سال فرصت مناسبی برای رسیدن به تعادل و ثبات در زندگی است و اگر فرد در این مدت مرتکب جرم نشده، احتمالاً تا حدود زیادی

فرایند بازپذیری اجتماعی را پشت سر گذاشته است. در این پژوهش، مصاحبه‌ها به دو گونه رودررو و همچنین تلفنی صورت پذیرفت که مصاحبه‌های تلفنی معمولاً به علت عدم امکان مصاحبه حضوری یا تکمیل مصاحبه‌ها انجام شد و هر یک حدود ۶۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. در نظریه داده‌بنیاد در مرحله گردآوری داده‌ها مصاحبه‌ها به منظور از دست ندادن نکات مهم مصاحبه و امکان برقراری رابطه نزدیک‌تر با مصاحبه‌شوندگان و همچنین ثبت شرح کامل و مبسوط تجربه‌های آن‌ها ضبط می‌شود. از این‌رو، در این پژوهش نیز، ضمن اعلام محرمانه‌بودن، مصاحبه‌ها با اجازه مصاحبه‌شوندگان ضبط شده‌اند. فایل‌های صوتی، با پایان هر مصاحبه، مکتوب، کدگذاری و تحلیل شد. درحقیقت، سعی شده مطابق با رهیافت نظریه داده‌بنیاد فرایند گردآوری داده‌ها و تحلیل به‌صورت هم‌زمان انجام گیرد، تا هنگام رفت‌وبرگشت به میدان تحقیق نکات از دست‌رفته کمتری وجود داشته باشد. درعین‌حال که اشکالات مصاحبه‌ها نیز کمتر می‌شود. از این‌رو، پس از پایان هر مصاحبه، روند مکتوب‌کردن، کدگذاری و استخراج مفاهیم اولیه (مرحله کدگذاری باز) آغاز شد که این مفاهیم محقق را به سمت انتخاب نمونه‌های بعدی که می‌توانستند اطلاعات بیشتری در رابطه با مفاهیم و تدوین مدل پارادایمی ارائه دهند هدایت کرد. این روند تا اشباع نظری و اطمینان از نبود تم‌های جدید و تکرار مصاحبه‌ها ادامه پیدا کرد که در مصاحبه نوزدهم این اتفاق افتاد و برای اطمینان بیشتر، دو نمونه دیگر انتخاب و با آن‌ها نیز مصاحبه شد. در مجموع، در این تحقیق با ۲۱ زن مصاحبه شده است.

سؤالات تحقیق

سؤالی که معمولاً از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شود بر درک و فهم آن‌ها از تجربه پدیده مطالعه‌شده و بررسی ابعاد فرایند تأکید دارد. بنابراین، محقق سعی دارد سؤالاتی را بپرسد که نشان دهد مهم‌ترین بخش فرایند چه بوده (پدیده‌محوری)، چه چیز یا شرایطی موجب رخ دادن پدیده شده است (شرایط علی)، چه راهبردهایی در طول فرایند به کار گرفته شده (استراتژی‌ها) و درنهایت چه تأثیرات و پیامدهایی به دنبال داشته است [۹].

از این‌رو، سؤالات محوری این تحقیق به شرح ذیل است:

- چه شرایطی بسترها و زمینه‌های بازپذیری اجتماعی زنان مجرم را فراهم می‌کند؟
- چه شرایط علی می‌تواند زمینه‌ساز حرکت زنان در مسیر بازپذیری اجتماعی و موفقیت در آن شود؟
- چه عواملی می‌تواند به‌منزله شرایط مداخله‌گر و میانجی در فرایند بازپذیری اجتماعی زنان تأثیرگذار باشد؟
- زنان مصاحبه‌شونده چه استراتژی‌ها و راهبردهایی را به منظور افزایش موفقیت در فرایند بازپذیری اجتماعی به کار می‌گیرند؟
- بازپذیری اجتماعی و موفقیت در فرایند آن چه پیامدها و نتایجی برای زنان دارد؟

اعتبار و پایایی تحقیق

در یک پژوهش کیفی، اعتبار و پایایی تحقیق با پژوهش‌های کمی متفاوت است. لینکن و گوبا ایجاد قابلیت اعتماد در یک پژوهش کیفی را به اطمینان‌پذیری، انتقال‌پذیری، اتکاپذیری و تأییدپذیری در فرایند تحقیق منوط می‌دانند [۲۷]. بر این اساس، در تحقیقات کیفی سعی می‌شود با به‌کارگیری روش‌هایی نظیر کنترل داده‌ها با اعضا و همچنین ارائه مجدد داده‌ها و تفاسیر به مصاحبه‌شوندگان به توصیفات غنی و پرمایه‌ای که امکان قضاوت در مورد انتقال‌پذیری یافته‌ها را افزایش می‌دهد دست یافت. علاوه بر این، کنترل بیرونی از طریق بررسی بازخورد سایر محققان و درنهایت تسلط محقق بر میدان تحقیق و عدم سوگیری و پیش‌داوری نیز از روش‌هایی است که اعتبار و پایایی تحقیق را افزایش می‌دهد [۹؛ ۲۷]. در این پژوهش نیز، سعی شده قابلیت اعتماد یافته‌ها براساس روش سیلورمن افزایش یابد [۳۲]. به‌طوری‌که در گام اول ارزیابی کلی یافته‌ها از طریق کنترل و اعتباریابی اعضا و مصاحبه‌شوندگان انجام شده و در گام دوم به منظور بررسی و تأیید کدهای استخراج‌شده به متخصصان مراجعه شده و درنهایت به منظور افزایش اعتبار تحقیق و کاهش شائبه تفسیرهای شخصی، در بخش گزارش یافته‌ها به برخی نقل قول‌ها نیز استناد شده است.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

میانگین سنی زنان مصاحبه‌شونده در این پژوهش ۴۳/۲۸ سال است. از بین مصاحبه‌شوندگان، ۳ نفر متأهل، ۹ نفر مطلقه، ۳ نفر همسر فوت‌شده، ۳ نفر مجرد و ۳ نفر نیز با همسرشان متارکه کرده‌اند. به جز ۴ نفر، که تحصیلات لیسانس دارند، بقیه تحصیلات دیپلم و پایین‌تر دارند. طبق اطلاعاتی که از پرونده مصاحبه‌شوندگان به‌دست آمد، یک نفر از آن‌ها ۴ بار سابقه زندان دارد، ۲ نفر نیز دو بار. این در حالی است که بقیه یک بار سابقه حبس داشته‌اند. تعداد ۵ نفر از این زنان به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر،^۱ ۹ نفر انواع جرایم مالی، ۳ نفر جرایم اخلاقی شامل رابطه و راه‌اندازی مراکز فساد، ۴ نفر به جرم سرقت و یک نفر نیز سابقه معاونت در قتل همسر به زندان افتاده‌اند. درنهایت، ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان دو سال و بیشتر و مابقی بین یک تا دو سال از تاریخ آخرین خروجشان از زندان گذشته است. در جدول ۱، توصیفی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است.

۱. نکته جالب توجه در این تحقیق آن است که تعداد کسانی که بین نمونه‌ها به جرم حمل و نگهداری مواد به زندان افتاده و بیش از یک سال از آزادی‌شان گذشته باشد، کمتر از سایر جرایم است. این در حالی است که معمولاً نرخ ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر بیش از سایر جرایم در میان زنان بوده است (سراج‌زاده و نوربخش، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۰). به نظر می‌رسد علت این مسئله در عدم ترک مصرف مواد و به دنبال آن عدم توفیق در اصلاح و بازگشت به جامعه است که جای بررسی دقیق‌تر دارد، اما مجال آن در این مقاله فراهم نیست.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	طول مدت زندان	مدت آزادی	وضعیت تاهل	سوء پیشینه	تعداد سابقه	اولین مکان زندگی پس از آزادی
۱	آذر	۵۵	سیکل	۱۵ سال	۳ سال	مطلقه (پیش از زندان)	حمل و قاچاق مواد مخدر	۱ بار	مسافرخانه بهزیستی
۲	الناز	۲۹	سیکل	۷ سال	۱۴ ماه	مطلقه (در دوران حبس)	حمل و قاچاق مواد مخدر	۱ بار	با والدین
۳	پریناز	۲۴	ابتدایی	۱ سال	۱ سال	مجرد	حمل مواد- اعتیاد	۲ بار	زندگی با خواهر و برادر
۴	مهتاب	۴۶	سیکل	مجموعاً حدود ۲ سال	۲ سال و ۴ ماه	همسرفوت شده	حمل و نگهداری مواد	۴ بار	زندگی با فرزندان
۵	سحر	۳۷	ابتدایی	۱ سال	۲۷ ماه	متارکه	سرقت (سابقه) مصرف مواد دارد	۱ بار	با فرزند موقع آزادی منزل دوست
۶	سولماز	۶۶	دیپلم	۱۲ سال ۴ ماه	۱ سال	مطلقه	کلاهبرداری (چک)	۱ بار	با خواهرزاده
۷	مینا	۳۲	دیپلم	۱ سال	۲ سال	مطلقه	سرقت و رابطه	۱ بار	با والدین
۸	نسترن	۳۱	دیپلم	۱ سال و ۳ ماه	۱ سال	مطلقه (بعد از حبس)	سرقت با همسر	۱ بار	با والدین
۹	فیروزه	۴۴	دیپلم	۱۱ سال و ۱۳۳ روز	۱ سال و ۶ ماه	همسرفوت شده	معاونت در قتل همسر	۱ بار	با فرزند
۱۰	لیلا	۴۱	ابتدایی	نه ماه	۱ سال	مطلقه	راه‌اندازی مراکز فساد	۱ بار	با مادر
۱۱	نرگس	۳۵	لیسانس	۱ سال و ۳ ماه	۲ سال	مطلقه	سرقت	۱ بار	با فرزندان

۱. کلیه اسامی مصاحبه‌شوندگان مستعار و غیرواقعی است.

ادامهٔ جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	تحصیلات	طول مدت زندان	مدت آزادی	وضعیت تاهل	مهم‌ترین مسئله	تعداد سابقه	اولین مکان زندگی پس از آزادی
۱۲	زیبا	۳۷	لیسانس	۱۱ ماه	۳ سال و ۴ ماه	متاهل	کلاهداری	۱ بار	با همسر و فرزند
۱۳	رؤیا	۵۶	لیسانس	۲ سال و ۲ ماه	۱ سال	متارکه	جعل سند و فروش مال غیر	۱ بار	خانهٔ فرزند
۱۴	ملیحه	۵۲	سیکل	۸ ماه	۱۶ ماه	متاهل	کلاهداری	۱ بار	همسر و فرزندان
۱۵	شهناز	۵۰	سیکل	۱۲ سال	۲ سال	مطلقه	حمل مواد مخدر	۱ بار	با مادر و فرزندان
۱۶	مهری	۵۴	دیپلم	۹ ماه	۱ سال و ۵ ماه	متاهل	کلاهداری و چک	۱ بار	با همسر و فرزندان
۱۷	زینب	۳۷	دیپلم	۱ سال و ۵۱ روز	۱۴ ماه	متارکه	کلاهداری	۱ بار	با مادر
۱۸	ریابه	۶۴	سیکل	۱۳ ماه	۱۴ ماه	همسرفوت شده	کلاهداری و چک بلامحل	۱ بار	با فرزندان
۱۹	ثریا	۲۰	سیکل	۶ ماه	۲ سال	مجرد	رابطه	۱ بار	با مادر
۲۰	محبوبه	۶۳	لیسانس	۱۰ ماه	۲ سال و ۱ ماه	مطلقه	کلاهداری	۱ بار	تنهایی
۲۱	فروزان	۴۶	دیپلم	۹ ماه	۱ سال و ۲ ماه	مجرد	چک بلامحل	۱ بار	با والدین

تحلیل یافته‌ها

در یک مطالعهٔ نظریهٔ داده‌بنیاد، یافته‌ها نشان‌دهندهٔ طرح نظری است و محقق در طول گزارش ارجاعات و استناداتی به پیشینه و سایر تحقیقات انجام‌شده می‌کند تا اعتبار مدل نظری‌اش را افزایش دهد. در این زمینه، به برخی نقل قول‌ها و یادداشت‌ها نیز اشاره می‌شود [۹]. شایان ذکر است تحلیل داده‌ها در سه مرحلهٔ کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شده که پس از استخراج مفاهیم اولیه و در مراحل بعد مقوله‌بندی، یکپارچه‌سازی و پالایش، مقولهٔ مرکزی به نام «بازپذیری اجتماعی به‌مثابهٔ حرکت به سوی عادی‌سازی زندگی و هم‌نوایی اجتماعی» حاصل شده است. در جدول ۲، نتیجهٔ کدگذاری و تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه کدگذاری و مقوله‌بندی مرتبط با بازپذیری اجتماعی زنان

نوع مقوله	مقوله‌های جزئی	مقوله‌های اصلی	مقوله مرکزی
شرایط علی	میل و علاقه به تغییر سبک و شیوه زندگی، نارضایتی از وضعیت موجود، احساس شرمساری، اثربخشی زندان، تحولات درونی، تلاش برای جبران گذشته و تغییر رویه	انگیزه تغییر	
زمینه‌ها	مهارت‌آموزی یا داشتن مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، تحصیلات، اشتغال و درآمد حمایت والدین و اعضای خانواده، تأهل و حمایت همسر، حمایت و پشتیبانی فرزند دسترسی به سرمایه‌های اقتصادی-اجتماعی و مسکن مناسب	توانمندی و بازتوانی پردنشدن و پذیرش در خانواده دسترسی به سرمایه‌ها	
شرایط مداخله‌گر	مادری و علاقه به فرزند، مسئولیت‌های مراقبتی و حضانت، تمایل به ازسرگیری نقش مادری، نگرانی برای آینده فرزند، دوری از انگ مادر مجرم سن، سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری (اعتماد به نفس، انعطاف‌پذیری، شخصیت آرام و غیرخشن، مثبت‌اندیش) عدم مصرف مواد، توفیق در ترک مصرف، نوع ماده مصرفی، مدت سال‌های مصرف	انگیزه‌های مادرانه ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای عدم مصرف مواد مخدر	بازپذیری اجتماعی به‌مثابه حرکت به سوی عادی‌سازی زندگی و هم‌نوایی اجتماعی
استراتژی‌ها و راهبردها	تغییر نگرش اطرافیان، مرزبندی با گذشته، تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها، پنهان ماندن سوء سابقه عضویت در شبکه‌های اجتماعی، بهره‌مندی از خدمات حمایتی، دستیابی به استقلال فردی، عضویت در انجمن‌ها و گروه‌ها، استفاده از تجربیات افراد موفق و تعامل با آن‌ها، شرکت در جلسات مشاوره	مناسب‌سازی و سالم‌سازی محیطی حمایت‌های تعمیم‌یافته و گسترش شبکه‌های اجتماعی	
پیامدها و نتایج	ازسرگیری فعالیت‌های اجتماعی، امید به آینده، احساس ارزشمندی و مفید بودن ترک فعالیت‌های مجرمانه، کارآزمودگی و افزایش بینش و درک اجتماعی، ساماندهی و بهسازی زندگی	رضایت از زندگی سازگاری و ساماندهی اجتماعی	

زمینه‌ها و بسترهای بازپذیری اجتماعی

تجزیه و تحلیل روایت‌های زنان نشان می‌دهد «طردنشدن و پذیرش در خانواده» از یک‌سو و از سوی دیگر «توانمندی و بازتوانی» آن‌ها در کنار «دسترسی به سرمایه‌های اجتماعی-اقتصادی» می‌تواند نقش مؤثری در فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای بازپذیری اجتماعی محکومان زن ایفا کند.

الف) طردنشدن و پذیرش در خانواده

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد «خانواده» نقش مهمی در بازپذیری اجتماعی زنان برعهده دارد. از این رو، زنان دارای خانواده امکان اینکه در فرایند عادی‌سازی زندگی موفق‌تر عمل کنند بیشتر است. مهتاب ۴۶ ساله، که به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر چهار بار زندان رفته، می‌گوید:

اینکه بدونی توی خونوادهت حداقل یکی هست که هوات رو داره، پیگیر پرونده‌ت و ازت حمایت می‌کنه، اون وقت خودت هم حواست جمع می‌شه که دوباره یک موقع خلاف نکنی...

با این حال، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در بسیاری مواقع صرف داشتن خانواده ممکن است به تنهایی کافی نباشد. بنابراین، آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد «شرایط خانواده و میزان حمایت اعضا» است. الناز ۲۹ ساله، که سابقه زندان به علت حمل و قاچاق مواد مخدر دارد، می‌گوید:

زندان رفتنم برای خانواده‌م سنگین تموم شد. پدرم به خاطر من خونه‌ش رو فروخت و وکیل گرفت... خیلی تلاش کرد تا حکم رو کم کنه. بعد آزادی حتی یک بار هم به روم نیاورده.

بررسی روایت‌های زنان نشان می‌دهد خانواده‌هایی که مطابق با الگوی خانواده‌های عادی و بهنجار جامعه زندگی کرده و سابقه محکومیت و حبس ندارند، در صورت پذیرش عضو بزهکار خود، شانس موفقیت وی را در فرایند بازپذیری اجتماعی افزایش می‌دهند.

ب) توانمندی و بازتوانی

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد اغلب زنان مصاحبه‌شونده طالب شغل و کسب درآمد برای تأمین معاش خودند و شغل را عامل مهمی در استقلال فردی و تأمین رضایت از زندگی و مانعی بر سر راه بازگشت به جرم و زندان می‌دانند؛ به طوری که زنان مصاحبه‌شونده‌ای که پس از خروج از زندان امکان اشتغال و کسب درآمد برایشان فراهم شده توانسته‌اند تا حدود زیادی در روند عادی‌سازی زندگی موفق‌تر عمل کنند. آذر ۵۵ ساله که به جرم قاچاق و حمل مواد مخدر در زندان بوده می‌گوید:

الان یه مدتی هست که یه ماشین قسطی خریدم و توی یه آژانس کار می‌کنم...

قسطم زیاده. برای کمک خرجم با بیمارستان... قرارداد بستم و هر روز صبح برایشون نون تازه می‌برم. پولش کمه، ولی برای من خوبه.

الناز ۲۹ ساله که سابقه زندان به علت حمل و قاچاق مواد مخدر دارد نیز در روایت خود از کار و اشتغال می‌گوید:

توی زندان توی کارگاه خیاطی کار می‌کردم و مدرک فنی و حرفه‌ای خیاطی هم گرفتم... الان هم روی مدرکم وام خوداشتغالی گرفتم و یه مغازه کوچیک اجاره کردم و لباس زنونه می‌فروشم... خدا رو شکر می‌گذره.

به نظر می‌رسد توانمندی‌های زنان و همچنین بازتوانی آن‌ها، که معمولاً از طریق آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای صورت می‌گیرد، می‌تواند نقش مؤثری در فراهم‌شدن زمینه‌ها و بسترهای بازپذیری اجتماعی آن‌ها ایفا کند.

علاوه بر این‌ها، تحصیلات نیز می‌تواند جزء توانمندی‌های بالقوه‌ای محسوب می‌شود که قابلیت بالفعل‌شدن را در صورت بهره‌مندی از حمایت اجتماعی دارد. باین‌حال، در اغلب موارد تحصیلات بیشتر از طریق شبکه‌های دوستانه و کانال‌های غیررسمی و تحت تأثیر اعتمادی که معمولاً پیش از ارتکاب جرم به وجود آمده مفید بوده و بیشتر نیز شامل حال زنانی می‌شود که بنا بر روایت خودشان «برای دیگران مسجل شده که آن‌ها بی‌تقصیر» بوده‌اند؛ اگرچه ممکن است این فرصت اشتغال نیز در شرکت‌های خصوصی و مشاغل سطح پایین برای آنان فراهم شود.

ج) دسترسی به سرمایه‌ها

نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی و روایت‌های زنان نقش سرمایه‌های اقتصادی را در فرایند بازپذیری اجتماعی آشکار می‌کند. سرمایه‌های اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند زندگی زنان سابقه‌دار است که تأثیرات آن در ابعاد مختلف و دوران مختلف زندگی این زنان مشهود است. چنان‌که مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد، برخورداری زنان از سرمایه‌های اقتصادی در فرایند بازپذیری اجتماعی و توفیق در آن مؤثر بوده است. باین‌حال، چندان تفاوتی ندارد که این سرمایه‌ها برای خود فرد باشد یا از سوی بستگان اهدا شده باشد. مهتاب ۴۶ ساله که سابقه چهار بار حبس به علت حمل و نگهداری مواد مخدر دارد می‌گوید:

از پدرشوهرم یه مغازه به ما ارث رسیده که اجاره دادیم. خودم هم توی خونه کار در منزل دارم و قطعات لوستر وصل می‌کنم. خیلی خوبه سرگرم شدم. دو تا دختر بزرگم هم کار می‌کنن. دارم کم‌کم جهیزیه دخترم رو که عقد کرده‌ست جور می‌کنم.

ربابه ۶۴ ساله که بیش از یک سال سابقه زندان به جرم کلاهبرداری و چک بلامحل دارد نیز می‌گوید:

برای خودم قرض درست کرده بودم، ولی خدا رو شکر فامیل‌ها کمک کردن

قرض‌هام رو دادم. یه خونه هم با کمکشون توی اسلام‌شهر اجاره کردم... الان هم توی خونه کار می‌کنم. سبزی، ترشی و پیازداغ می‌فروشم. یه چرخ خیاطی هم دارم که با اون برای مشتری‌هام چادر می‌دوزم.

از این‌رو توجه به ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان و همچنین قابلیت‌های مالی آنان در کنار توجه به سایر نیازهای مادی و معنوی آن‌ها در فرایند بازپذیری اجتماعی لازم و ضروری است و می‌تواند نقش مؤثری در پیوند زدن آن‌ها به دنیای اجتماعی ایفا کند. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد محلی برای اسکان و مسکن مناسب از جمله نیازهای زنان در فرایند عادی‌سازی زندگی است که با فراهم کردن آرامش و تأمین استقلال فردی می‌تواند زمینه‌دستیابی و تحقق پروسه عادی‌سازی زندگی پس از زندان را تسهیل کند. به‌طوری‌که برای برخی مصاحبه‌شونده‌ها، که مجبورند با دوستان یا بستگانشان زندگی کنند، احساس سرباری و تحمیل‌شدگی موجب نارضایتی از زندگی و کاهش سطح کیفیت زندگی آن‌ها شده است. سولماز ۶۶ ساله که بیش از ۱۲ سال سابقه حبس به جرم کلاهبرداری و صدور چک دارد می‌گوید:

هرچی داشتم فروختم تا قرض‌هام رو بدم. بدهی رو تانندی آزاد نمی‌شی. برای همین الان هیچی ندارم... خونه خواهرزاده‌م هستم. سه تا بچه داره. خودش تدریس زبان می‌کنه و من کمکش بچه‌ها رو نگه می‌دارم. ولی خجالت می‌کشم. بوفه مدرسه رو برام گرفته اونجا کار می‌کنم. خیلی بهم کمک کرد، ولی دوست دارم یک جا بگیرم نزدیک مدرسه باشه و کرایه هم ندهم. شوهر خواهرم پیر شده. یه موقع عصبی بشه داد و بیداد می‌کنه، ولی به من احترام می‌دازه. به‌هرحال سربار هستم. تمام تلاشم رو دارم می‌کنم که از این سرباری راحت بشم و یه جای مستقل بگیرم.

رؤیا ۵۶ ساله که به جرم جعل سند و فروش مال غیر زندان بوده نیز می‌گوید:

مشکلی که دارم اینه که هنوز نتونستم یه خونه اجاره کنم و خونه پسرم زندگی می‌کنم که خیلی برام سخته... به‌هرحال همه دوست دارن مستقل باشن. هم من هم پسر و زن و بچه‌ش...

بنابراین، برای بسیاری از زنان سابقه‌دار، به‌ویژه زنان مسن، داشتن مسکن مستقل امری حیاتی است و نقش مؤثری نیز بر سلامت جسمی و روانی این افراد و همچنین دستیابی به موفقیت در فرایند عادی‌سازی زندگی آن‌ها دارد. از طرفی، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد فقدان مسکن مناسب و زندگی در مسافرخانه‌ها یا منزل بستگان و اقوام، به‌ویژه زندگی با افراد معتاد یا سابقه‌دار یا زندگی در شرایط نامساعد، به همراه خشونت، تحقیر و سرکوفت، می‌تواند نقش مؤثری در ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان ایفا کند.

شرایط علی؛ ایجاد انگیزه تغییر

نکته درخور توجه و اکتشافی در تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده به شرایط و عوامل علی حرکت در مسیر بازپذیری و کسب موفقیت در روند عادی‌سازی زندگی این زنان اختصاص دارد. بر این اساس، آنچه موجب می‌شود زنان در این فرایند موفق‌تر عمل کنند به عوامل درونی و همچنین ایجاد «انگیزه تغییر» در آن‌ها برمی‌گردد. باین‌حال، به نظر می‌رسد انگیزه و نوع آن به سابقه ارتکاب جرم و نوع جرم بستگی داشته باشد؛ مثلاً، زنانی که در ارتباط با جرایم مواد مخدر به زندان افتاده و خود نیز سابقه اعتیاد دارند «خسته شدن و عدم رضایت از وضع موجود» مهم‌ترین علل انگیزشی در آن‌هاست. پریناز ۲۴ ساله که سابقه یک سال زندان به جرم حمل مواد مخدر دارد می‌گوید:

دل‌م می‌خواست خوب شم، خسته شده بودم. من هم دوست داشتم مثل همه زندگی کنم. مثل آدم زندگی کنم. دوست داشتم وقتی آب می‌خورم غذا می‌خورم، بعدش مثل مرده نیفتم خماری بکشم. خسته شده بودم از خماری کشیدن. مواد همه‌ش به آدم فرمون می‌ده. با این آدم صحبت کن، با اون صحبت نکن، اینجا برو، اونجا برو...

سحر ۳۷ ساله که به جرم سرقت دستگیر شده و سابقه مصرف مواد مخدر نیز دارد می‌گوید:

از اون وضعیت خسته شده بودم... از اینکه اسیر یه ذره مواد بودم و به خاطرش هرکاری می‌کردم از خودم بدم می‌اومد... از اینکه مادر بدی بودم و بچه‌م رو این و اون بزرگ می‌کردن... به خدا قول دادم که دیگه هیچ‌وقت سراغ مواد نرم.

از طرفی، زنانی که سابقه ارتکاب جرایم مالی داشتند اغلب تمایل به تغییر سبک زندگی و شیوه ماجراجویانه خود تحت تأثیر زندان را عاملی مهم در فرایند عادی‌سازی زندگی قلمداد می‌کردند. ربابه ۶۴ ساله که بیش از یک سال سابقه زندان به جرم کلاهبرداری و چک بلامحل دارد می‌گوید:

زندان از من یه آدم دیگه ساخته. همون‌جا پشت دستم رو داغ کردم که دیگه دنبال چک و سفته‌بازی نرم. اگر پول دارم، به اندازه پولم خرید کنم و ریسک نکنم.

زیبا ۳۷ ساله که به جرم کلاهبرداری مدت ۱۱ ماه زندان رفته است نیز می‌گوید:

از وقتی از زندان اومدم یه آدم دیگه شدم. دیگه به هرکسی اعتماد نمی‌کنم و چشم‌هام رو خوب باز می‌کنم... هیچ‌وقت هم دیگه دنبال دسته‌چک نمی‌رم که مثل اون وقت‌ها بدون اینکه توی حسابم پول باشه الکی چک بکشم.

درمجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد عده زیادی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند زندان به‌عنوان یک عامل «بیدارکننده و آگاهی‌بخش» دیدگاهی واقع‌بینانه از عواقب و تبعات جرم به آن‌ها بخشیده است. از نظر آن‌ها، هیچ‌چیز از آزادی بهتر نیست و معتقدند ترس از

دست دادن خانواده و حمایت‌های آن‌ها اساس بازگشت از رفتار بزهکارانه را تشکیل می‌دهد. باین‌حال، به نظر می‌رسد برخی زنان مصاحبه‌شونده نیز بر اثر تجربه زندگی در زندان و تبعات آن متحول شده و انگیزه تغییر در آن‌ها به‌وجود آمده باشد. از طرفی، به نظر می‌رسد برخی از زنان مصاحبه‌شونده نیز سعی داشتند رویه زندگی‌شان را تغییر دهند و گذشته را جبران کنند و این امر انگیزه آن‌ها برای بازگشت به جامعه را تقویت می‌کند. نرگس ۳۵ ساله بیش از یک سال به جرم سرقت زندان بوده است. وی در این ارتباط می‌گوید:

همش مشغول خیاطی‌ام. کار می‌کنم تا اجاره‌خونه و خرج بچه‌هام رو بدم. من الان دارم برای بچه‌هام از جون مایه می‌دارم. دارم جبران می‌کنم، جبران کارهای گذشته.

بنابراین، به نظر می‌رسد انگیزه تغییر و تمایل به تغییر سبک زندگی در برخی زنان بیشتر از اثربخشی زندان، احساس شرمساری از رفتار و عملکرد گذشته، تلاش برای جبران گذشته و درنهایت تغییر و تحولات درونی متأثر از آن ناشی باشد.

شرایط مداخله‌گر و میانجی

الف) ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برخی ویژگی‌های فردی و زمینه‌ای نظیر سن، وضعیت تأهل و سلامت جسمی و روانی نقشی مهم در فرایند عادی‌سازی زندگی محکومان زن ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که یافته‌های تحقیق نشان داد، زنانی که بنا بر روایت‌هایشان از سلامت جسمی و روانی برخوردارند، در فرایند عادی‌سازی زندگی نیز معمولاً موفق‌تر عمل می‌کنند. زیبا ۳۷ ساله که به جرم کلاهبرداری مدت ۱۱ ماه زندان رفته است می‌گوید:

تا حالا یه قرص هم نخوردم. از صبح تا شب کار می‌کنم و درس می‌خونم. یه بچه دو ساله هم دارم... اگه خودمون بخوایم، خدا خودش توانش رو هم بهمون می‌ده که کار کنیم و آبرومون حفظ شه...

فروزان ۴۶ ساله که سابقه زندان به علت چک بلامحل دارد نیز در این ارتباط می‌گوید:

با همه چیز جنگیدم. دوست دارم قوی باشم. الان هم دوست دارم یکی حامی‌م باشه. پشتم باشه بهم کمک کنه. قول می‌دم می‌تونم پیشرفت کنم و راحت قرض‌هام رو بدم. من از هیچی نمی‌ترسم و نترسیدم، چون به عشق خدا حرکت می‌کنم. خیلی‌ها می‌گن هر کی جای تو بود، می‌مرد. من می‌گم از ناامیدی بیزارم حتی اگه سیاهچال برم به خدا امید دارم.

همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری نظیر اعتماد به نفس، انعطاف‌پذیری، شخصیت آرام و غیرخشن و مثبت‌اندیشی زنان نیز در فرایند عادی‌سازی زندگی پس از زندان مؤثر است. باین‌حال، بررسی و مطالعه دقیق این مسئله نیازمند پژوهشی جداگانه است که مجال آن در این پژوهش فراهم نیست.

ب) انگیزه‌های مادرانه

حمایت از محکومان زن به منظور از سرگیری نقش مادری و به رسمیت شناختن این نقش و حمایت از آن‌ها در برقراری ارتباط با فرزندان می‌تواند در ایجاد احساس مثبت و ایجاد انگیزش برای همنوایی و بازگشت به جامعه مؤثر باشد؛ هرچند میزان علاقه خود آن‌ها نیز به فرزند اهمیت زیادی دارد. شهناز ۵۰ ساله که سابقه ۱۲ سال حبس به جرم حمل مواد مخدر دارد می‌گوید:

از روی بچه‌ها شرمندم. براشون مادری نکردم. ولی الان دارم همه‌ش کار می‌کنم تا حداقل بتونم یه کمکی بهشون بکنم... دلم می‌خواد از این به بعد براشون مادر خوبی باشم. سحر ۳۷ ساله که سابقه یک سال حبس به جرم سرقت دارد در ارتباط با فرزندش این‌گونه روایت می‌کند:

... مهم آینده دخترمه. الان مشکل مالی و کار دارم. می‌خوام برم سر کار. کسی نیست بچم رو نگه داره... قبلاً که کوچیک‌تر بود می‌داشتمش توی مهدکودک بهزیستی... از خدا می‌خوام به من توان و عمر بده که از بچم رو نگهداری کنم و به یه جایی برسونمش...

ج) عدم مصرف مواد مخدر

از عوامل میانجی و مداخله‌گر در فرایند بازپذیری اجتماعی، عدم مصرف مواد مخدر در این زنان است؛ به طوری که یافته‌ها نشان می‌دهد زنانی که پیشینه مصرف مواد مخدر نداشته یا موفق به ترک مواد مخدر شده‌اند، شانس بیشتری برای بازگشت به جامعه دارند، زیرا فرایند ترک اعتیاد و درمان آن خود پروسه‌ای پیچیده و طولانی‌مدت، تخصصی و نیازمند برنامه‌ریزی است که می‌تواند زندگی برخی از این زنان را با چالش‌های متعددی مواجه کند. شهناز ۵۰ ساله، که سابقه ۱۲ سال حبس به جرم حمل مواد مخدر دارد، در این ارتباط می‌گوید:

من جرمم مواد بود، ولی خودم موادی نبودم. اصلاً از مواد بدم می‌اومد. به نظرم مواد آدم رو بدبخت می‌کنه، چون ترک نداره. اگه موادی بودم، فکر کنم وضعم خیلی بد بود و شاید تا حالا مرده بودم...

پریناز ۲۴ ساله، که سابقه حمل مواد مخدر و اعتیاد دارد، نیز می‌گوید:

من قبلاً شیشه مصرف می‌کردم... مواد آدم رو زجر می‌ده، فکرت و همه ذهنهت رو درگیر خودش می‌کنه... ولی وقتی می‌تونم ازش جدا بشی که به عجز برسی و دلست بخواد که از دستش راحت بشی. اون وقته که می‌تونم کنارش بذاری... کندن از شیشه کار خیلی سختیه. آدم باید خیلی قوی باشه که بتونه ترک کنه.

تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نوع ماده مصرفی، میزان وابستگی و مدت زمان مصرف مواد مخدر نقش مهمی در فرایند ترک مواد مخدر و به تبع توفیق در بازپذیری اجتماعی زنان دارد.

استراتژی‌ها و راهبردها

الف) مناسب‌سازی و سالم‌سازی محیطی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اکثر زنان مصاحبه‌شونده‌ای که در مسیر عادی‌سازی زندگی قرار گرفته‌اند سعی دارند محیط زندگی خویش را مناسب‌سازی و سالم‌سازی کنند و آن را عامل مهمی در فرایند بازگشت به جامعه می‌دانند. اغلب آن‌ها این فرایند را از طریق دورشدن از فضاهای گذشته و مرزبندی با آن، تغییر محل سکونت، پنهان نگه داشتن سابقه حبس و تلاش برای تغییر نگرش اطرافیان انجام می‌دهند. بر این اساس، تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان ترجیح می‌دهند هویت آن‌ها به‌عنوان فردی سابقه‌دار برای اطرافیان، به‌ویژه همکاران و دوستان جدید، آشکار نشود، زیرا باعث تغییر رفتار و نظرشان به آن‌ها می‌شود. نرگس ۳۵ ساله، که به جرم سرقت حدود ۱۴ ماه در زندان بوده، می‌گوید:

اصلاً به هیچ‌کس نمی‌گم، چون لزومی نداره. فقط دیدگاه آدم‌ها تغییر می‌کنه. خانومی که خونه‌ش کار می‌کنم بهش گفتم، پذیرفت. ولی به نظرم دیدگاهش بد شده. می‌ترسه دوباره کار خلافی بکنم. ولی من همیشه سعی می‌کنم درست کار کنم و خلافی نکنم. یه مدتی توی یه مغازه کار می‌کردم و کلید داشتم، ولی هیچ خلافی نکردم.

مهری ۵۴ ساله، که سابقه ۹ ماه حبس به جرم کلاهبرداری و صدور چک بلامحل دارد، نیز می‌گوید:

موقعی که زندان بودم بچه‌ها خونه رو عوض کردن و الان اطراف تهران خونه گرفتیم. توی محله قبلی همه فهمیده بودن من زندانم و دیکه دلمون نمی‌خواست اونجا بمونیم... ولی خدا رو شکر اینجا هیچ‌کس نمی‌دونه.

در فرایند عادی‌سازی زندگی، فاش شدن یا مخفی ماندن اطلاعات فردی و هویتی زنان سابقه‌دار درجه اهمیت بالایی دارد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد زنان مصاحبه‌شونده مرزبندی با گذشته و ترک فضاهایی نامناسب را به‌منزله یک استراتژی مؤثر در سالم‌سازی محیط زندگی خویش به کار می‌بندند. پریناز ۲۴ ساله، که سابقه حمل مواد مخدر و اعتیاد دارد، می‌گوید:

سابق بر این با مادرم زندگی می‌کردم که معتاد بود. الان با خواهر و برادرم که معتاد نیستن زندگی می‌کنیم، چون دنبال زندگی بدون موادم. الان سعی می‌کنم خودم رو سرگرم کنم. برای اینکه بتونی یک زندگی سالم داشته باشی، باید یه محیط سالم داشته باشی. خانواده و دوست‌های خوب داشته باشی.

لیلا ۴۱ ساله، که به جرم راه‌اندازی مراکز فساد به زندان افتاده، نیز می‌گوید:

از مامانم نگهداری می‌کنم و پیش اون زندگی می‌کنم... دور دوست و رفیق هم خط کشیدم و با هیچ‌کدوم رفت آمد ندارم... دوست جز دردسر برای من هیچی نداشته.

ب) حمایت تعمیم یافته و گسترش شبکه‌های اجتماعی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عضویت در شبکه‌های اجتماعی و بهره‌مندی از خدمات حمایتی در کنار مشارکت در انجمن‌های مرتبط با محکومان و گروه‌های دوستانه و خانوادگی می‌تواند نقش مؤثری در عادی‌سازی زندگی زنان ایفا کند. این مسئله از آنجا حائز اهمیت است که می‌تواند موجب افزایش تعاملات زنان با یکدیگر و آگاهی از تجربیات دیگران در کسب موفقیت شود و درگیری‌های ذهنی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی آن‌ها را افزایش دهد. پرنیز ۲۴ ساله، که سابقه اعتیاد و حبس دارد، می‌گوید:

یه کم از وقتم رو آشپزی می‌گیره. می‌دونی سابق بر این ما اصلاً نمی‌دونستیم آشپزی چیه. بعد هم استخر می‌رم. شب‌نشینی با خواهرم و برادرهام. توی کلاس‌های مشاوره شرکت می‌کنم. خیلی خوبه. با آدم‌های زیادی آشنا شدم که خیلی مثل خودم هستن.

علاوه بر این، به نظر می‌رسد زنان مصاحبه‌شونده علاوه بر بهره‌گیری از خدمات مالی و اقتصادی سازمان‌ها و نهادهای حمایتی، نیازمند استفاده از خدمات مشاوره‌ای آن‌ها نیز بوده و زنانی که بیشتر از این خدمات بهره می‌گیرند ممکن است در این فرایند بهتر عمل کنند. ثریا ۲۰ ساله، که سابقه دستگیری به جرم رابطه دارد، می‌گوید:

فقط کمک مالی نمی‌خوام... می‌خوام یکی باشه باهاس صحبت کنم و من رو راهنمایی کنه که بهتر زندگی‌م رو سروسامون بدم و با مشکلاتم کنار بیام.

پیامدها و نتایج بازپذیری اجتماعی

الف) رضایت از زندگی

تجزیه و تحلیل یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد بازگشت موفقیت‌آمیز زنان به جامعه و بازپذیری اجتماعی آن‌ها با پیامدها و نتایج مثبتی همراه است که معمولاً در ازسرگیری فعالیت‌های اجتماعی، امید به آینده و برنامه‌ریزی برای آن، حس ارزشمندی و مفیدبودن در جامعه آشکار می‌شود. شهناز ۵۰ ساله، که سابقه ۱۲ سال حبس به جرم حمل مواد مخدر دارد، در این ارتباط می‌گوید:

تا حد زیادی زندگی‌م رو جمع‌وجور کردم و با بچه‌هام و خانواده‌م ارتباط برقرار کردم. بچه‌هام من رو پذیرفتن. همش نگران بودم که اون‌ها من رو رد کنن و تحویل نگیرن که خدا رو شکر این‌طور نشد.

زیبا ۳۷ ساله، که سابقه زندان به جرم کلاهبرداری دارد و اکنون با همسر و فرزندش زندگی می‌کند، می‌گوید:

خانواده‌م بهم امید دادن من هم با تلاشم، با کارم و با رفتارم و با توان و نیرویی که

گذاشتم تونستم دوباره خودم رو پیدا کنم و به زندگی برگردم... هر بلایی که سر آدم می‌آد به خود آدم بستگی داره. من الان دارم درس می‌خونم. سر کار هم می‌رم. با اینکه الان یه بچه کوچولو دارم، ساعت دو می‌خوابم، شیش صبح بیدار می‌شم، تا به شوهر و بچه هم برسم.

علاوه بر این، به نظر می‌رسد از سرگیری فعالیت‌های اجتماعی و تلاش برای بازگشت به جریان عادی زندگی از پیامدهای فرایند بازپذیری اجتماعی زنان است که می‌تواند موجب رضایت آن‌ها از زندگی شود. ربابه ۶۴ ساله، که بیش از یک سال سابقه زندان به جرم کلاهبرداری و چک بلامحل دارد، می‌گوید:

الان خوشحالم که از اونجا (زندان) اومدم بیرون و هنوز تنم سالمه... الان هم دارم کار می‌کنم تا قسط و قرض‌هام رو بدم و خرج خودم رو درمی‌آرم.

شهناز ۵۰ ساله، که سابقه ۱۲ سال حبس به جرم حمل مواد مخدر دارد، در این ارتباط می‌گوید: از طرف بهزیستی برای نگهداری از سالمند معرفی شدم. سعی می‌کنم خودم رو با کار سرگرم کنم... الان به خونه و زندگی‌م خیلی بها می‌دم. به نظرم بچه‌هام بهم احتیاج دارن. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد احساس ارزندگی و مفیدبودن، به‌ویژه برای زنانی که سرپرستی فرزندانشان را برعهده دارند، موجب افزایش احساس رضایت‌مندی از زندگی شده است. مهتاب ۴۶ ساله، که سابقه چهار بار حبس به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر دارد، می‌گوید:

پدر و مادر پشتوانه بچه‌ها هستن. من دوست دارم پشتوانه باشم. این‌طور که هر وقت بچه‌ها ازم خواستن، کاری براشون بتونم انجام بدهم؛ چه مادی چه معنوی. معنوی که مطمئنم که کمک می‌کنم. مثلاً بچه از لحاظ روحی روانی مشکل براش پیش بیاد... یا بچه‌دار بشه، از بچه‌ش بتونم نگهداری کنم. هر کاری که هر مادری می‌تونه انجام بده. بچه از مادر کمک می‌گیره، نه اینکه مادر از اون‌ها.

شهناز ۵۰ ساله، که سابقه ۱۲ سال حبس به جرم حمل مواد مخدر دارد، در این ارتباط می‌گوید: شاید من برای بچه‌هام یک پستی باشم؛ مثلاً دخترم پارسال ازدواج کرد، من براش عقدکنون گرفتم. بهش جهیزیه دادم... من اومدم پسر از ازدواج کرده بود. با عروسم رابطه خوبی دارم. یه وقت‌هایی از بچه‌شون نگهداری می‌کنم.

از این‌رو، به نظر می‌رسد زنانی که فعالیت‌های اجتماعی خویش را مجدداً در جامعه ازسرگرفته و برای آینده برنامه‌ریزی کرده و احساس ارزندگی و مفیدبودن دارند توانسته‌اند به رضایت نسبی از زندگی و شرایط پسازندان دست یابند که خود از پیامدهای آشکار بازپذیری موفقیت‌آمیز و بازگشت به جامعه است.

ب) سازگاری و ساماندهی اجتماعی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ترک فعالیت‌های مجرمانه و تکرار نکردن جرم یکی دیگر از پیامدهای بازپذیری اجتماعی زنان مجرم است که معمولاً همراه کارآزمودگی و افزایش خبرگی زنان و پرهیز از تصمیمات آنی و بدون تحقیق و مشورت در تعاملات اجتماعی اتفاق می‌افتد. مهتاب ۴۶ ساله، که سابقه چهار بار حبس به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر دارد، در این ارتباط می‌گوید:

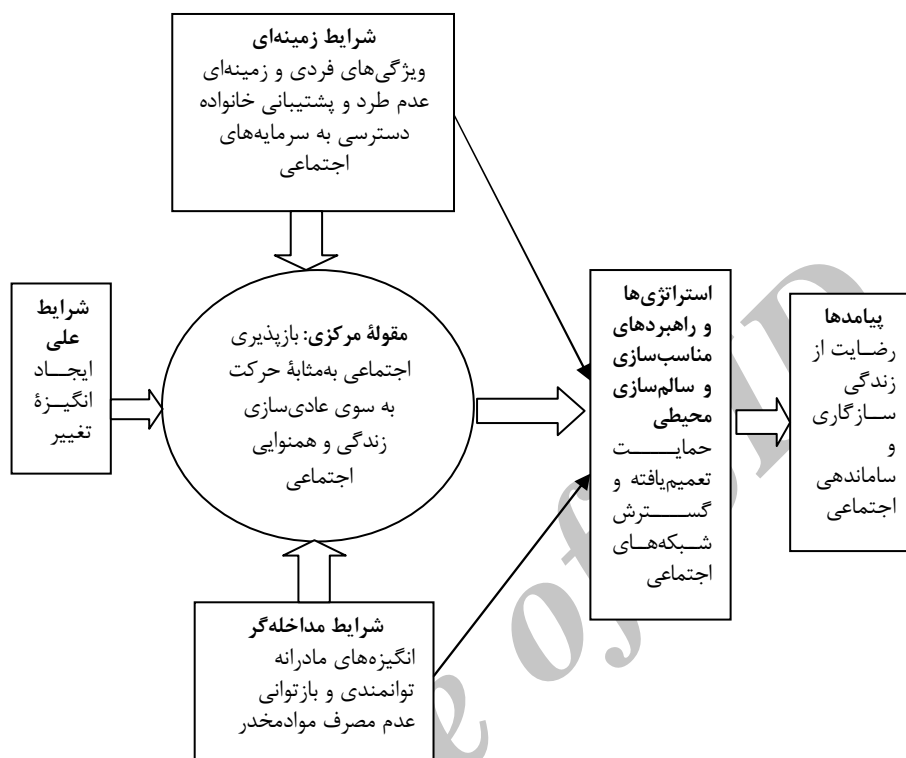
به بچه‌ها قول دادم. غیرممکنه اگه دوباره اون کارها رو انجام بدم. الان هم یک موقعی صحبت می‌کنن می‌گن چرا توی این راه افتادی، می‌گم اشتباه کردم. نصیحت پذیرم، حرف گوش می‌کنم. اون موقع مغزم جواب نمی‌داد... الان خودم رو با بچه‌ها سرگرم کردم. پنج‌شنبه‌ها بهشت زهرا می‌ریم. توی خونه کار می‌کنم. بازارچه غرفه می‌گیرم. کارهای خونه‌گی مون رو می‌فروشیم. یه موقع‌هایی با بچه‌ها پارک می‌ریم.

اغلب زنان مصاحبه‌شونده در توصیف نتایج بازپذیری اجتماعی و ترک جرم و اینکه چگونه توانسته‌اند زندگی خویش را سامان دهند، معتقدند سرشان به سنگ خورده و به اصطلاح «سربه‌راه شده‌اند». مه‌ری ۵۴ ساله، که سابقه ۹ ماه حبس به جرم کلاهبرداری و صدور چک بلامحل دارد، می‌گوید:

یک عده نمی‌دونن و گرفتار می‌شن. یک عده می‌دونن و گرفتار می‌شن که این قابل تحمل نیست... مشورت کنن، بی‌گدار به آب نزنن، گوش به حرف خانواده بدن. کسی که پی به اشتباه خودش بیره، سربه‌راه شده و دیگه اشتباه نمی‌کنه.

نتیجه‌گیری

برای ارائه مدل بازپذیری اجتماعی زنان مجرم براساس نظریه داده‌بنیاد مقولات به دست آمده در این پژوهش را، که در بخش گزارش یافته‌ها بدان پرداخته شد، می‌توان در مدل ذیل قرار داد تا تصویر کامل‌تری از فرایند بازپذیری اجتماعی ترسیم شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی بازپذیری اجتماعی زنان مجرم

همان‌طور که در شکل ۱ آمده، مقوله مرکزی «بازپذیری اجتماعی به‌مثابه حرکت به سوی عادی‌سازی زندگی و همنوایی اجتماعی» است و این مقوله همان‌طور که استراوس و کوربین نیز بر آن تأکید دارند، حاصل همه تحلیل‌هاست و جوهر پژوهش را به صورت فشرده بیان می‌کند. علاوه بر این، مقوله مرکزی دارای قدرت تحلیل است و توانایی ربط دادن و به هم نزدیک کردن مقوله‌های اصلی پژوهش را برای توضیح کل مطلب دارد و از طرفی مکرراً در داده‌ها پدیدار می‌شود و نشانه‌هایی از آن در همه موارد تحت مطالعه وجود دارد [۲]. چنان‌که در این پژوهش نیز مقوله مرکزی «بازپذیری اجتماعی به‌مثابه حرکت به سوی عادی‌سازی و همنوایی اجتماعی» مفهومی است که دائماً نشانه‌هایی از آن در فرایند مصاحبه‌ها، کدگذاری‌ها و مقوله‌بندی‌ها وجود دارد و به نظر می‌رسد قابلیت تبیین نکته اصلی موجود در داده‌ها را داشته باشد. تلاش زنان برای عادی‌سازی (نرمالیزه کردن) زندگی و همنوایی اجتماعی پس از خروج از زندان و گذران حبس در واقع به‌مثابه حرکت آن‌ها به سوی بازپذیری اجتماعی است که تحت تأثیر شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر قابل تبیین است.

مدل پارادایمی ارائه شده نشان می‌دهد انگیزه تغییر در فراهم کردن زمینه علی فرایند بازپذیری اجتماعی زنان مجرم نقش مهمی برعهده دارد. بر این اساس، انگیزه تغییر در زنان مصاحبه‌شونده در قالب نارضایتی از وضعیت موجود، اثربخشی و تأثیرگذاری زندان، میل و علاقه به تغییر سبک زندگی و تغییر رویه، احساس شرمساری، تحولات درونی و تلاش برای جبران گذشته قابل توصیف و تبیین است و بدون وجود این انگیزه معمولاً زنان توفیق چندانی در فرایند عادی‌سازی زندگی و بازپذیری اجتماعی به دست نمی‌آورند. نتیجه برخی تحقیقات نظیر [۲۰؛ ۲۳؛ ۲۵] نیز نشان می‌دهد زنان مجرم برای فاصله گرفتن از گذشته نیازمند دگرگونی‌ها و تحولات درونی و فکری‌اند، زیرا هر فرد تصورات، آگاهی‌ها، شناخت‌ها و انگیزه‌های درونی دارد که بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات وی تأثیر می‌گذارد. زنان سابقه‌دار نیز برای عادی‌سازی زندگی خویش نیازمند تحولات فکری و فرایندهای ذهنی‌اند که در تبدیل هویت آن‌ها به فردی مجرم تأثیرگذار بوده است. همچنین، یافته‌های این پژوهش مطابق با تئوری امید است که معتقد است افراد مجرم با یک احساس کافی از امید فرصت بیشتری برای بازپذیری اجتماعی دارند و موفق‌تر عمل می‌کنند [۲۱] که در اینجا این احساس امید می‌تواند از طریق تغییر سبک زندگی، ایجاد تحولات درونی یا تلاش در جهت عادی‌سازی زندگی در زنان ایجاد شود. هرچند تغییر و تحولات درونی در زنان و انگیزه آن‌ها برای تغییر و تأثیر آن بر فرایند بازپذیری اجتماعی مطابق رویکرد دگرگونی‌شناختی [۱۶] نیز است.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش نشان داد برخی عوامل نظیر سن و وضعیت تأهل در کنار سلامت جسمی و روانی و همچنین طردنشدن و پشتیبانی خانواده، به‌منزله عوامل زمینه‌ای، بسترساز حرکت زنان مجرم به سوی عادی‌سازی زندگی و هم‌نوایی اجتماعی است؛ به‌طوری‌که زنان جوانی که به لحاظ جسمی و روانی سلامت بیشتری دارند و از پشتیبانی و حمایت اعضای خانواده، به‌ویژه همسر خویش، بهره می‌برند، شانس بالاتری برای بازگشت به زندگی عادی دارند. در جامعه ایرانی، به‌رغم تغییر و تحولات اجتماعی سال‌های اخیر، هنوز خانواده جایگاه و ارزش خاصی دارد و زن همواره به‌عنوان یکی از محورهای مهم آن ایفای نقش می‌کنند. با این حال، به نظر می‌رسد عدم مصرف مواد مخدر یا توفیق در ترک مواد مخدر از عوامل مداخله‌گری باشد که نقش مهمی در فرایند عادی‌سازی زندگی و هم‌نوایی اجتماعی ایفا می‌کند. برای بسیاری از زنان معتاد فرایند ترک اعتیاد خود ابعاد چندگانه و پیچیده‌ای دارد که تلاش برای بازپذیری اجتماعی پس از زندان را برای زنان «مضاعف» می‌کند و حتی ممکن است مانعی بزرگ بر سر موفقیت آن‌ها محسوب شود.

علاوه بر این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد توانمندی زنان شامل مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، تحصیلات، اشتغال و درآمد و همچنین دسترسی به سرمایه‌های اقتصادی-اجتماعی در کنار مسئولیت‌های مادری و علاقه به فرزند و تمایل به ازسرگیری نقش مادری از عوامل

مداخله‌گر و میانجی در فرایند بازپذیری اجتماعی زنان است. از این رو، به نظر می‌رسد تقویت نقش‌های مادرانه و مسئولیت‌های خانوادگی می‌تواند مانع فعالیت‌های کجروانه زنان شود و تا حدودی خود عامل بازدارنده کجروی در آن‌ها شود. نتایج تحقیقات پلیسیر نیز نشان می‌دهد زنانی که روابط خانوادگی خوب یا در حد متوسطی دارند و همچنین زنانی که به زندگی با فرزندان کوچک خود علاقه‌مند بوده و به آن‌ها اهمیت می‌دهند، پس از آزادی از زندان احتمال بیشتری دارد که در برنامه‌های ترک اعتیاد و درمان موفق شوند. از این رو، وی به این نتیجه رسید که این مسئله می‌تواند راهی برای ایجاد انگیزه برای تغییر در زندگی و همچنین انگیزشی برای شرکت در برنامه‌های درمانی و کاهش پیامدهای اعتیاد باشد [۳۰].

آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است، برجستگی نقش خانواده در فرایند بازپذیری اجتماعی و روند عادی‌سازی زندگی زنان است. از این رو، ارائه خدمات خانواده‌محور و تأمین نیازهای اولیه آن‌ها، نظیر مسکن، کار و شغل مناسب و تأمین معاش می‌تواند بسیار اثرگذار باشد و موجب ترک فعالیت‌های مجرمانه در زنان شود، که به نظر تأمین‌نکردن آن‌ها تبعات جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. به طوری که نتایج تحقیق اوبرایان نشان داده احتمال بازگشت زنان زندانی بدون مسکن به زندان شش بار بیشتر از سایر زنان است [۲۸].

در فرایند بازپذیری اجتماعی، گسترش تعاملات اجتماعی، عضویت در شبکه‌های حمایتی و بهره‌گیری از خدمات مشاوران و انجمن‌های دولتی و غیردولتی، که در این تحقیق با عنوان «حمایت‌های تعمیم‌یافته» مقوله‌بندی شده، نیز حائز اهمیت است. مروری بر ادبیات پژوهشی نیز نشان می‌دهد بیشتر زنانی که بازگشت موفقیت‌آمیزی به جامعه داشته‌اند، رابطه مثبت و سازنده‌ای با دوستان، مریبان، مشاوران، گروه‌های معتادان نجات‌یافته و مبلغان دینی، چه داخل زندان و چه خارج از آن، داشته‌اند [۲۰]. از طرفی، بهر و همکاران نیز شش عامل را که در بازپذیری اجتماعی تأثیرگذار است بر شمرده‌اند که شامل شغل، سوء مصرف مواد، حمایت خانواده، انواع دوستان، انگیزه‌های شخصی برای تغییر و سن است که تأییدکننده برخی از یافته‌های پژوهش حاضر نیز است [۱۶].

در مجموع، یافته‌های این پژوهش که در مدل ترسیم‌شده نیز به نمایش درآمده، نشان می‌دهد: «حرکت به سوی عادی‌سازی زندگی و هم‌نوایی اجتماعی» در فرایند بازپذیری اجتماعی زنان مجرم دو پیامد و نتیجه اصلی دارد که در قالب «رضایت از زندگی» و «سازگاری و ساماندهی اجتماعی» قابل مقوله‌بندی و تبیین است که در این مقوله‌ها در از سرگیری فعالیت‌های اجتماعی، امید به آینده، احساس ارزشمندی و مفیدبودن و همچنین ترک فعالیت‌های مجرمانه، افزایش خبرگی اجتماعی و افزایش بینش و درک اجتماعی آشکار شده است. یکی از دستاوردهای مهم پژوهش حاضر ارائه الگویی است که می‌توان از آن به‌منزله نقشه راه یا راهبردی در جهت بازپذیری موفق زنان استفاده کرد. علاوه بر موارد ذکر شده، می‌توان با تدوین

آموزش‌ها و مهارت‌های روان‌شناختی (مهارت‌های فردی و خانوادگی) در زندان و ارائه آموزش‌ها و آماده‌سازی خانواده زندانیان، قبل از خروج زندانی، فرایند بازپذیری اجتماعی پس از آزادی را برای آنان تسهیل کرد و با ایجاد مراکز مشاوره‌ای رایگان و رفع مشکلات زنان و خانواده‌هایشان پس از آزادی به فرایند بازپذیری سرعت بخشید.

نکته مهم دیگر حفظ پیوندهای خانوادگی در فرایند محکومیت زندانی است که با تسهیل فرایندهای ملاقات و ارتباطات زندانیان با خانواده از فروپاشی کانون خانواده در زندان جلوگیری به عمل آورد. در نهایت، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و توانمندسازی زنان، به منظور دستیابی به شغل، قبل از خروج و پس از خروج، از پیش‌نیازهای مهمی است که فشارهای زندانیان در جهت عدم بازپذیری و بازگشت به جرم را کاهش می‌دهد.

منابع

- [۱] ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). «بازپروری عادلانه مجرمان»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۳، بهار- تابستان.
- [۲] استراوس، انسلم؛ کوربین، چولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۳] افراسیابی، علی (۱۳۸۹). «امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پساکیفری موجود»، فصل‌نامه مطالعات پیشگیری از جرم، س ۵، ش ۱۵، تابستان، ص ۳۴-۵۷.
- [۴] بولک، برنارد (۱۳۸۵). کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجد، چ ۴.
- [۵] رستمی تبریزی، لمیاء (۱۳۹۲). «نقش مرحله پساکیفری در پیشگیری از تکرار جرم با تکیه بر بزهکاری زنان»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶۱.
- [۶] صادقی فسایی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، ش ۳، ص ۳۶۲-۳۴۲.
- [۷] علیزاده اقدم، محمداقبر (۱۳۹۴). «خصوص نقش فعالیت‌های فرهنگی در اصلاح و تربیت و بازگشت زندانی به زندگی شرافتمندانه»، طرح پژوهشی دفتر آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها.
- [۸] کردمیرزا، عزت‌الله (۱۳۹۲). «بررسی تبعات زندان برای زنان زندانی استان البرز»، طرح پژوهشی به سفارش مرکز آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و امنیتی کشور.

- [۹] کرسول، جان (۱۳۹۴). *پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار، چ ۲.
- [۱۰] کونانی، سلمان؛ سلطانی بیدگلی، رضا (۱۳۹۰). «اصلاح و درمان مجرمان در حقوق کیفری ایران»، فصل‌نامه *تعالی حقوق*، ص ۱۱-۳۴.
- [۱۱] فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۱۲] نژادسبزی، پروانه (۱۳۹۱). «بررسی تبعات زندان برای زنان زندانی استان لرستان»، طرح پژوهشی به سفارش مرکز آموزش و پژوهش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و امنیتی کشور.
- [13] Adams, E.B., Chen, E.Y. & Champan, R. (2016). "Erasing the mark of a criminal past: ex-offenders' expectations and experiences with record clearance", *Punishment & Society*, 0(00): PP 1-30
- [14] Andrews, D. A., Bonta, J., & Wormith, J. S. (2006). "The recent past and near future of risk and/or need assessment", *Crime & Delinquency*, 52(1), PP 7-27.
- [15] Arditti, J., & Few, A. (2008). Maternal distress and women's reen-try into family and community life. *Family Process*, 47, 303-321. doi:10.1111/j.1545-5300.2008.00255.x
- [16] Bahr, S.J., David, C., & Ward, C. (2012). "The process of offender reintegration: Perceptions of what helps prisoners reenter society", *Criminology and Criminal Justice*, 13(4), PP 446-469
- [17] Belenko, S. (2006). "Assessing released inmates for substance-abuse-related service needs", *Crime & Delinquency*, 52(1), PP 94-113.
- [18] Binswanger, I. A., Nowels, C., Corsi, K. F., Glanz, J., Long, J., Booth, R. E., & Steiner, J. F. (2012). "Return to drug use and overdose after release from prison: a qualitative study of risk and protective factors", *Addiction science & clinical practice*, 7(1), P 3.
- [19] Bloom, B., Owen, B. A., & Covington, S. (2003). *Gender-responsive strategies: Research, practice, and guiding principles for women offenders*. Washington, DC: National Institute of Corrections.
- [20] Bui, H. N., & Morash, M. (2010). "The impact of network relationships, prison experiences, and internal transformation on women's success after prison release", *Journal of Offender Rehabilitation*, 49(1), PP 1-22.
- [21] Burnett, R., & Maruna, S. (2004). "So, „prison works,“ does it? The criminal careers of 130 men released from prison under home secretary", *Michael Howard. The Howard Journal*, 43(1), PP 390-404
- [22] Chikadzi, Victor (2017) Challenges Facing Ex-Offenders When Reintegration In To Mainstream Society In Gauteng South Africa, *Social Work/Maatskaplike Werk Vol 53 No 2; Issue 8*
- [23] Cobbina, J. E. (2010). "Reintegration success and failure: Factors impacting reintegration among incarcerated and formerly incarcerated

- women”, *Journal of Offender Rehabilitation*, 49, 210-232. doi:10.1080/10509671003666602.
- [24] Dowden, C., & Andrews, D. A. (1999). “What works for female offenders: A meta-analytic review”, *NCCD news*, 45(4), PP 438-452.
- [25] Giordano, P. C., Cernkovich, S. A., & Rudolph, J. L. (2002). “Gender, crime, and desistance: Toward a theory of cognitive transformation”, *American journal of sociology*, 107(4), PP 990-1064.
- [26] Holtfreter, K., & Morash, M. (2003). “The needs of women offenders”, *Women & Criminal Justice*, 14(2-3), PP 137-160.
- [27] Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry* (Vol. 75). Sage.
- [28] O’Brien, P. (2002). “Evaluation of Grace House: Using past experience to inform future results”, *Unpublished report. Chicago: University of Illinois at Chicago*.
- [29] Opsal, T., & Foley, A. (2013). “Making it on the outside: Understanding barriers to women’s post-incarceration reintegration”, *Sociology Compass*, 7, 265-277. doi:10.1111/soc4.12026
- [30] Pelissier, B. (2004). “Gender differences in substance use treatment entry and retention among prisoners with substance use histories”, *American Journal of Public Health*, 94(8), PP 1418-1424.
- [31] Rosenthal, A., & Wolf, J. E. (2004). *Unlocking the potential of reentry and reintegration* (Working paper). Retrieved from http://www.communityalternatives.org/pdf/unlocking_potential.pdf.
- [32] Silverman, D. (2013). *Doing qualitative research: A practical handbook*. SAGE Publications Limited.
- [33] Visher, C.A. (2011). *Incarcerated fathers: Pathways from prison to home*. *Criminal Justice Policy Review*, 24(1), 9-26. doi:10.1177/0887403411418105
- [34] Wallace, D., Fahmy, C., Cotton, L., Jimmons, C., McKay, R., Stoffer, S., & Syed, S. (2016). “Examining the role of familial support during prison and after release on post-incarceration mental health”, *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 60, PP 3-20.